

من و باران و دلنتگی تو ...

نوشته شده توسط پسر پاییز
جمعه، 18 ارد بهشت 1394، 02:33 - آخرین بروزرسانی پنجشنبه، 24 ارد بهشت 1394، 05:01

ببار باران

یاریم کن و بپوشان اشک هایم را

تو بیشتر دلنتگی یا من؟

تو همراه دلنتگی هایت فریاد میزنی

اما من محکوم به سکوتیم !!

سکوتی که بسیار تلخ است

و در دل خود بی شمار حرف ها دارد

این است فرق من و تو!!

خوشا به حالت باران که بی محابا،

فریاد میزنی و میباری

انقدر احساس و صبرم سرد و گرم شده اند

که بیچاره دلم هم در حال انفجار است ،

طفلك به تنگ آمده



پی نوشت:

1. مدت هاست دلم گرفته از خیلی چیزها، خیلی حرفا و خیلی آدمها ... از غریبه ها انتظاری ندارم و حتی به ظاهر آشناها که همیشه سعی کردن زندگیم رو خراب کنند غافل از اینکه هیچ اهمیتی تو زندگی من نداشتند، اما از کسی که حرف های قشنگی می زد، قول داد که کمک میکنه و درست در حساس ترین زمان ممکن بهم نشون داد که روی هیچ کس نباید حساب کنم که آدمها خلاف حرف هاشون عمل می کنند ... اشکالی نداره من می بخشمش اما داره باورم میشه که دیگه صداقت تو این نمونه مرده ... فقط هنوز به تو امید دارم عزیزم که تو هرگز مثل دیگران نیستی و نباشی ...

2. سیاست داشتن در مقابل صداقت دیگران عین خیانتته و من این رو تجربه کردم که چطور با سیاست باهام رفتار شد در حالی که من فقط صادقانه قدم برداشتم ...

3. تو این نیمه شب بارون شدید و عجیبی شروع به باریدن کرده، دوباره بارون بی تو و حس دلتنگی، قلم رو روی کاغذ به حرکت در میاره که از تو و برای تو بنویسم عشق من، شاید قدری این حس تلخ دلتنگی تسکین پیدا کنه و بدونی که چقدر لحظه لحظه ی من پر از وجود تو شده ... منتظر روزی هستم که کنار هم زیر بارون قدم بزنینم و با هم معنی عشق رو برای همه تعریف کنیم ...

4. هنوز منتظرم وسط یک شب بارانی ... که از شدت تب عرق کرده ام، بیدارم کنی و بگویی: چیزی نیست فقط خواب می دیدی!!

5. این روزها آب و هوای دلم انقدر بارانیست، که رخت های دلتنگیم را فرصتی برای خشک شدن نمی ماند ... اگر می شود بیشتر طلوع کن! آخر تو خورشیدی برای دل من ...

6. من بلد نیستم دوستت نداشته باشم، بلد نیستم حرف دلم را نگویم، حتی بلد نیستم نگویم می خواهمت وقتی به من بی توجهی ... من هیچ کار مهمی را بلد نیستم جز " دوست داشتن تو " ... لطفا تو هم این ها را بلد نباش عزیزم ...

7. آهنگ جدید سایت به نام " هفته عشق " کار بنیامین بهادری قطعه زیبایی بود که واقعا خوشم اومد و روی سایت گذاشتم امیدوارم شما هم از شنیدنش لذت ببرید.

8. کمبود خواب با یک روز استراحت حل می شود، کمبود وقت با مدیریت زمان، سایر کمبودها نیز علاجی دارند ... با کمبود " دست هایت " چه کنه؟!!

9. آنقدر در تو غرق شده ام؛ که حتی از تلاقی اتفاقی نگاهم با دیگری احساس خیانت می کنم، زیرا که جز تو کسی را نمی توانم ببینم و عشق یعنی همین

10. ساده نگذر عزیزم؛ به یاد داشته باش این دلنوشته ها را، یک " دل " نوشته است

11. کاش قدری بیشتر ازت خبر داشتیم اینطوری واقعا سخته کاش همه چیز مثل گذشته ها می شد روزهایی که با پیام ها ، تماس ها ، شنیدن صدات و حس کردن تو نزدیک خودم بر خلاف این روزها به سرعت سپری می شد و همه چیز جور دیگه ای می گذشت حتی با وجود این فاصله اما همین که بیشتر ازت خبر داشتیم و همین که صدات رو هر روز می شنیدم تحمل این دلتنگی ها رو ساده تر می کرد ، امیدوارم دوباره اون روزهای خوب برگرده

12. آدم های خاص شاید گاهی گریه نکنند ، اما از چشم هایشان معلوم است که ؛ اشکی به بزرگی یک سکوت ، گوشه ی چشمشان به کمین نشسته

13. چیزی در کلامم نیست جز دوستت دارم هایی که واژه نیستند بلکه مثل دم در پی بازدم ، حیاتم را رقم می زنند

14. سال ها بعد ، بعد از دهه ها زندگی در کنار تو وقتی موهایم یکدست رنگ دندان هایم شد ، باز هم مثل امروز و مثل روز اول ، با عشق می نویسم : " دوستت دارم "

بعد نوشت: هوایم را داشته باش عشقم ؛ وقتی تو هوایم را داری ، هوا هم خوب می شود اصلا هوا هم ، به هوای " تو " خوب می شود ، درست مثل امروز! (ساعت حوالی یک بعد از ظهر ، امضاء : پسر پاییز) {on jcomments}